

A General View of the Status of Ahl al-Bayt in Al-Jami's Poetry

Prof. (Dr.) Nahi Abdul Ibrahim Nasser Zuhairi, Majid Jasib Malak

*King of Rab, University of Baghdad - College of Languages

نگاه اجمالی به جایگاه اهل بیت در شعر جامی
استاد دکتور: ناهی عبد ابراهیم ناصر زهیری
مربی: ماجید چاسب ملک ریعی

DOI:10.37648/ijrssh.v13i04.011

¹Received: 12 September 2023; Accepted: 18 November 2023; Published: 23 November 2023

ABSTRACT

Nour al-Din Abu al-Barakat, Abd al-Rahman al-Jami, was one of the famous Sufi poets. He was a Hanafi in the school of thought, and he chose the method (naqsh-bindiyya) in Sufism.

He is one of the few famous and great Persian poets of the ninth century AH. He spoke with amazing and wonderful love in his poems about (the People of the House), peace be upon them, and he engraved symbols of love, reverence, and loyalty to them in his various poems.

In his Alawite and Hussein poetry, al-Jami refuses to give any political coloring or any kind of pretense to the concept of loving the Prophet's family, and is keen to show his deep love for the Prophet's family in a wonderful and influential way.

In Abd al-Rahman al-Jami's famous diwan (collection of poems), there is an important poem related to praising the People of the House (peace be upon him). Among the members of Ahl al-Bayt, he paid special attention and care to the Commander of the Faithful "Ameerul-Mu'mineen", Ali bin Abi Talib, Imam Hussein, Imam al-Sajjad, and Imam al-Rida (peace be upon them).

Keywords: Overall look; The status of the People of the House; peace be upon them; Jammy hair

چکیده

نورالدین ابو البرکات، عبد الرحمان جامی، از شاعران مشهور حنفی مذهب، و ادیب صوفی نامدار که در تصوف، طریقت نقشبندی را برگزیده است. او یکی از معدود سخن سرايان نامی و بزرگ شاعران فارسی نهمین قرن هجری است که در باب محبت و دوستی اهل بیت (ع) بطور عجیب و شگفتا سخن رانده، و نشان افتخار عشق و تولای آنان را در جای جای اشعار گوناگون خود حک کرده است. جامی در اشعار علوی حسینی و در یک کلام ولایی او شایبه هر نوع سیاسی کاری و ظاهر سازی را رد می کند، و سوز

¹How to cite the article: Zuhairi N.A.I.N., Malak M.J., November 2023; A General View of the Status of Ahl al-Bayt in Al-Jami's Poetry; International Journal of Research in Social Sciences and Humanities, Vol 13, Issue 4, 121-141, DOI: <http://doi.org/10.37648/ijrssh.v13i04.011>

و گداز عاشقانه و ژرف را عرضه می دارد. از میان مجموعه ای اشعار شاعر معروف عبد الرحمان جامی، شعر مهمی دارد که آن متعلق به مدح و ستایش اهل بیت (ع) بود. او از میان اهل بیت توجه مخصوص به امیر مؤمنین علی بن ابی طالب و امام حسین، و امام سجاد و امام رضا (علیهم السلام) داشته است.

کلید واژه ها : نگاه اجمالی، جایگاه، اهل بیت، شعر، جامی

مختصری از شرح حال جامی

مولانا نور الحق والدین عبد الرحمن(1)، ابو البرکات بن نظام الدین احمد بن محمد جامی شاعر و نویسنده و دانشمند عارف نام آور قرن نهم هجری، بزرگترین استاد سخن پس از عهد حافظ شیرازی، و بنظر بسیاری محققان و پژوهندگان جامی خاتم شاعران بزرگ باری گوی به شمار می رود (2). او در ده (خرجود) از توابع شهر (جام) در خراسان (3) در ماه شعبان سال (817 هـ) که موافق با سال (1441 م)، چشم به جهان گشوده، و در ماه محرم سال (898 هـ) که موافق با سال (1492 م) باشد، در شهر (هرات) بدرود زندگی گفته بود (4). جامی ملقب به (خاتم الشعراء) و (ابو البرکات) دشتی شاعر، وادیب صوفی نامدار فارسی زبان است. او از طرف پدر نسب به محمد حسن شیبانی فقیه معروف حنفی قرن سوم هجری میرسد (5). او در شهر (جام) با شهرت دشتی نصب قضاوت یافت و مانند کارش جامی شاگرد پدر بوده و مورد تعلیم و تربیت او قرار گرفت، تا حدی که او در دوران کمال، ادعا می کند که ((ما به حقیقت شاگرد پدر خودیم که زبان از وی آموختیم.)) (6).

جامی در سال (830 هـ) یعنی در حدود 13 سالگی به همراه پدر او به شهر هرات می رود، و استعداد خود را در مجالس درس و بررسی و محافل علم و ادب به نمایش می گذارد، به گونه ای که استادان در همان ابتدا، استعداد وافر و توانمندی بالایی او را در فهم مسائل علمی و فهم علوم بلاغی و کلامی دریافتند. طولی نکشید که در علوم نقلی و عقلی دستی توانمند یافته و از هم سبقت گرفت، و شهرت جهانی پیدا کرد، و گستره دانش و معرفت او به حدی رسید که در علوم مختلف (در نظم و نثر) از جمله: تفسیر، حدیث، فقه، حکمت، عرفان، اخلاق، فنون ادب و شرح حال بزرگان و... تسلط و احاطه دارد (7).

جامی پس از رفتن به شهر هرات برای فراگیری بیشتر، عازم سمرقند گشت، و در آنجا هم استعداد و قابلیت خود را به خوبی نشان داد که ((در بازگشت به هرات شوقی به تصوف یافت و به سعدالدین کاشغری پیوست و در طریقت نقشبندیه درآمد. خواجه کلان پسر سعد الدین، دختر خویش بدو داد و این امر بر جاه و قدر وی در نزد اهل هرات بیفزود. بعد از سعدالدین نیز که خلافت نقشبندیه به خواجه عبیدالله احرار رسید، جامی دست ارادت به وی داد.)) (8).

جامی از مشهورترین شاعران اواخر عهد تیموری است بلکه می توان گفت او بزرگترین عهد و گوینده به نام ایران بعد از حافظ شیرازی بود. تحصیلات او در هرات و سمرقند در علوم ادبی و دینی و عرفان یاسیرسلوک در مراحل تصوف صورت گرفت تا به مرتبه ارشاد رسید. و در سلک رؤسای طریقه نقشبندی در آمده. و بعد از وفات شیخ سعد الدین کاشغری خلافت نقشبندی ها بدو تعلق گرفت.

جامی از سلاطین عهد خود مخصوص به سلطان حسن بایقرا اختصاص یافته بود (9). او محقق بزرگ و صاحب نظم و تالیف در زبان فارسی و عربی متعدد است که از مهمترین آنها (نفحات الانس) و (لوايح، و اشعه اللمعات، و بهارستان، و از آثار منظوم او نخست

هفت اورنگ یاسعه است، و سلسله الذهبتحفت الاحرار، سبحة الابرار، ویوسف وزلیخا، ودیوان بزرگی هم داشت که شامل قصاید، وترجیحات، وغزلهای، ومراثی، وترکیب، وترانها، وقطع انست که جایی آرا برسه ست قسمت کرده است. ودر اشعار او انکار صوفیانه وداستانها وحکمت وتصورات غزلی وغنائی همه بو نور دیده میشود⁽¹⁾. شایان تذکر این است که جامی از پیروان رسمی طریقه نقشبندی بود و یکی از کسانی است که آموزه های مکتب ابن عربی را وارد این طریقه نموده است⁽²⁾. او قصاید غزلی در مدح اهل بیت، بویژه امیر مؤمنین علی (ع)، وشهید کربلا حسین بن علی (ع)، و علی بن موسی الرضا سروده اند، و در آن قصاید، ابعاد مختلف آن ایامه کرام را با رویکردی تأویلی و عرفانی مورد مدح و ستایش قرار داده اند⁽³⁾. عبدالرحمن جامی طریقه نقشبندی را در شهر (هرات) بیش از پیش رواج دادند⁽⁴⁾.

مذهب جامی

برخی از نویسندگان درباره مذهب جامی کلام بسیار رانده اند که میتوان گفت که آن هم متناقض و نامعقولست⁽⁵⁾؛ چون آنها وقتیکه دیده اند که جامی اشعاری بسیار در باره اهل بیت وتولای ایشان (ع) را سروده، فوراً، جامی را هوادار تشیع دانسته اند ولی چنانکه اشاره شد نظری دقیق و ژرف در آثاری که از شاعر به جامانده دیدی در این باقی نمی گزارد که او سنی وحنفی بود. او نیز در کتاب خود (شواهد النبوة) در حق امام علی (ع) سی کرامت یاد کرده است که سه برابر کرامات نقل شده برای خلفای راشدین ثلاث (رض) است. البته جامی میان امام علی و شیخین پیوند و یکسانی می دید.

این علی در کمال خلق وسیر عین بوبکر بود وعین عمر

لعن ایشان مکن که لعنت اوست زشت باشد ز دوست لعنت دوست (6)

نزد جامی تبری از اهل بیت واصحاب درست نیست بلکه به مقابله آن بر خاسته است گفت :

رفض نی بد ز حب آل عباست بدی آن ز بغض اهل وفاسست (7)

قاضی نور الله شوشتری در کتاب خود (مجالس المؤمنین) بطور واضح جامی را از (اهل تسنن) دانسته، و اشاره کرد که بعضی از بزرگان از رفتار وی در کتاب او (نفحات الانس) که شرح حال عرفای شیعه را نیاورده، استشمام عدوات جامی نسبت به اهل بیت نموده اند، همواره در مقام انکار او بوده اند (8). ولی بی هیچ گمان این هم دلالت بر بی تولای جامی به (هل بیت) (رضی الله عنهم) یا عدوات به اهل تشیع هرگز نبود، بلکه مقصود او کسانی که صحابه را دشنام و مسبت می کرده اند. جامی در کتاب خود (هفت اورنگ)، به طور واضح و صریح، عقاید خود را، به ویژه در باره مسائل اختلافی، ابراز داشته و خلفای راشدین سه گانه را پس از حضرت رسول اکرم (ص) خلفای بر حق و (اولوالامر) مسلمانان دانسته، و تکریم آنان را واجب شمرده است، در همین وقت، امام علی (ع) را نیز خاتم خلفا و صاحب فضل و دانش و وفا و صبر خوانده، نیز آن حضرت را در مقابل (معاویه) ذی حق و جنگ بر ضدش را (منکر) به حساب آورده است (9).

امت احمد از میان امم باشد از جمله افضل واکرم

اولیای کرامت اویند پیرو شرع وسنت اویند

رهبران ره هدا باشند بهتر از غیر انبیا باشند

خاصه آل پیغمبر واصحاب
 کز همه بهترند در هر باب
 وزمیان همه نبود حقیق
 به خلافت کسی به از صدیق
 وزپی او نبود از آن احرار
 کس چو فاروق لایق این کار
 بعد فاروق جز به ذی النورین
 کار ملت نیافت زینت وزین
 بود به از همه به علم و وفا
 اسد الله خاتم الخلفا
 جز به آل کرام و صحب عظام
 سلک دین نبی نیافت نظام
 نامشان جز به احترام مبر
 جز به تعظیم سویشان منگر
 همه را اعتقاد نیکو کن دل
 زانکارشان به یک سو کن
 هر خصومت که بودشان باهم
 به تعصب مزن در آن جا دم
 بر کس انگشت اعتراض منه
 دین خود رایگان زدست مده
 حکم آن قصه با خدای گذار
 بندگی کن تورا به حکم چه کار (1)

او نیز به ام المؤمنین عائشه (رض) بعنوان (صدیقه) را ستایش نموده که گفت:

جانش مقعد مقعد صدقست از آن چه باک

کش تنگنای حجره صدیقه مرقدست (2)

یا ذکر این است که لعن و مسبت اصحاب بویژه خلفای راشدین (رض) نزد همه طوایف مسلمین جاز نیست. و همه مراجع دین در رسایل عملیه آنان که کسب علم و تکلیف پیروانان بوده بدان مساله هیچ اشاره ای ندارند (3). نیز آنچه باید بدان اشاره شد این است که جامی (رحمه الله) با وجود باور، و اعتقاد راسخ به حقانیت خلافت خلفای چهارگانه و محبوس بودن در قلمرو حنفی مذهبی به ائمه اهل بیت علاقه قلبی مخصوص داشت؛ تا حدی که همانطور سابقاً بدان اشاره شده برخی صاحب نظران جامی را به اشتباه از اهل تشیع به مفهوم (اثنا عشریه) دانسته (4). ولی به نظر می رسد که منشأ این توهم راجع به این است که برخی از نا مطلعان معتقدند که محبت اهل بیت محصور به یک طایفه ای از ملت اسلام است، ولی وجه حقیقت این است که پرتو اهل بیت و آل عبا (علیهم السلام) به همه امت اسلام بلکه به همه دنیا و انسانیت سطوع دارد.

جایگاه علمی و دینی جامی:

جامی یکی از شاعران بزرگ پایه و بلند آوازه و عالی مقام است که شهرت آنان در دولت گسترده ای تیموریان محصور نمانده است. او از لحاظ تاریخی و ادبی در زمره سخنوران بزرگ فارسی مثل خواجه عبد الله انصاری، و شاعر فردوسی و جلال الدین مولی بلخی و سنائی و سعدی و حافظ در آمده و رسمیت تام یافته است (5). البته فقط میدان و پهنه ادب و شعر نبود بلکه این شاعر بزرگ در آن به یکه تازی، باریک بینی و اندیشه ورزی دست یازید، بلکه زمینه های پهنای و متعدد مانند فقه، و عرفان، و کلام و حدیث و تفسیر و تاریخ نیز شاهد مهارت علمی و جولان افکار متنور او بود. و در میان اهل علم و سران علمی امت اسلام در آن روزگار،

مکانت تحسین برانگیزی کسب کرد (1). از این رو، جامی در سایهء خوش اقبالی و زمان سنجی که از خود نشان داد، مقام بس ارجمندی در دربار سلاطین تیموری، به ویژه آخرین آنها، سلطان حسین بایقرا (873. 911 هـ) به دست آورد؛ چنان که هر که می خواست در هرات آن روزگار، دارای مقام و منزلت باشد و در دربار سلاطین مزبور تأثیر و جا باز کند، باید حسن نیت و رضایت جامی را جلب می کرد یا دست کم، از برانگیختن خشم و اعتراض وی دوری می جست (2). با مطالعه تاریخ عهد تیموریان، چنین پیدا می شود که نام برده عمده ترین مرجع فقهی و بلندمرتبه ترین صاحب نظر دینی و علمی اهل سنت در دربار آن ها بوده و طی عمر نسبتاً طولانی خود، در مسائل گوناگون دینی، فرهنگی و اجتماعی از جمله خلافت، امامت نظر داده است (3).
وحدت اسلامی در فکر جامی :

جامی از بزرگترین داعیان به وحدت اسلامی است. و بهترین دلیلی بر آن این است که او دارای اشعار بسیاری است که مضمون آن پر از تسامح و محبت و دعوتی به وحدت امت اسلام بود. او در اشعار خود همیشه به بی تکفیر اهل ملت دعوت می کرد. او حتی همان اندک بد دهنان و لعن گویان منسوب به هیچ فرقه ای را نیز مسلمان دانسته، تمامی احکام اسلامی از جمله حقن دما، حرمت نفوس و ناموس و حفظ اموال آن ها را مطمح نظر قرار داده بر حفظ وحدت اسلامی و عدم سوء استفاده جهال و فرصت طلبان از مشتی اختلافات بین مذاهب اسلامی بویژه اهل تشیع و اهل تسنن انگشت تأکید نهاده است :

هر که شد ز اهل قبله بر تو پدید که به آرده نبی گردید
گرچه صد بدعت و خطا و خلل بینی او را ز روی علم و عمل
مکن او را به سرزنش تکفیر شمارش ز اهل نار و سعیر
ور ببینی کسی ز اهل صلاح که رود راه دین صباح و رواح
به یقین ز اهل جنتش شمار ایمن از روز آخرش مگذار (4)

جامی نیز ملت خویش را بر حذر داشته، از نفرین مخالفان طایفه خود بویژه بزرگان فرقه شیعه به شدت نهی می نماید، او گوید :

ورشود با یکی ز صحب نبی در مقام جفا و بی ادبی
ز آن حکایت به لطف منعش کن با وی از حکم شرع گوی سخن
لب به گفتار ناسزا مگشای ناسزا را به ناسزا مزدای
به تعصب مگوی دشنامش جز به حسن ادب مبر نامش
چه عجب کز وی آن کلام فضول درگذرانند بهر روح رسول
تو مؤاخذ شوی به آن هذیان که تو را یافت بر زبان جریان
اهل بیت طهار تند این ها نور چشم بصارتند این ها (5)
نگاهی به جایگاه اهل بیت در شعر جامی :

از میان مجموعه ای اشعار عبد الرحمان جامی، شعر مهمی دارد که آن بسته به مدح و ستایش اهل بیت (ع) بود. جامی از میان اهل بیت (ع) توجه مخصوص به امیر مؤمنین علی بن ابی طالب، و امام حسین، و امام رضا (ع) عاظیم السلام) داشته است. جامی یکی از معدود سخن سراپان نامی و از بزرگ شاعران فارسی نهمین قرن هجری است که در باب محبت اهل بیت سخن رانده، و نشان افتخار عشق و تولای ایشان را در اشعار گوناگون خود حک کرده است. او در اشعار علوی، حسینی و در یک کلام ولایی او شایبه هر نوع سیاسی کاری و ظاهر سازی را رد می کند، و سوز و گداز عاشقانه و ژرف را عرضه می دارد. و پیش از پرداختن به جلوه ارادت جامی نسبت به اهل بیت نگاه عمومی به بعضی ابیات شعری که تعلق به منظور شاعر به منزلت و محبت مخصوص خود به عترت و مقام عالی ایشان دارد، بیفکنیم. جامی بطور عمومی، اشارات بسیار به القاب اهل بیت در اشعار خود دارد از آنها :

آن را که بر سر افسر اقبال سرمدست سر در ره محمد و آل محمد است (1)

سَلَامٌ عَلٰی آلِ طَهٍ وَ يَسَّسَ سَلَامٌ عَلٰی آلِ خَيْرِ النَّبِيِّينَ (2)

لقب (طه، ویس) ماخوذ از تاویل برخی از مفسران قرآن مجید به حروف مقطعه ای که در آغاز سوره ی طه آمده که خدای متعال فرمود (طه، مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى) سوره ی طه: 1-2، و سوره یس که فرمود (یس، وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ) سوره یس: 1-3، که مقصود از آن نام پیغمبر (ص) بود (3). و با اینکه اقوال بسیاری در تفسیر (حروف مقطعه) هست، ولی به نظر می رسد که نظر امام (شعبی) و برخی دیگر از صحابه و تابعین (رض) در باره آن نزدیکتر به صواب می باشد که گفتند: حروف مقطعه از متشابه هستند که بظاهر آن ایمان می ورزیم و حقیقت و راز آنها موکول به خدا است (4). ابن عباس (رض) گفت: ((علما از فهم و ادراک آن عاجز مانده اند)) (5). یاد ذکر که شمار این حرفهائی که در اوایل سور قرآن آمده - با حذف مکرر - چهارده حرف بوده و یکی از مفسران قرآن مجید آن ها را در عبارت زیر: (نص حکیم قاطع له سر)، جمع نموده است (6). جامی در کتاب خود (شواهد النبوة) (7) که با ذوقی صوفیانه مخصوص نگاه شده است، به زندگانی و حیات ائمه اهل بیت (ع) با رویکرد دلائل نگارانه پرداخته، و درباره ایشان، همان گزارش هایی را ارائه نموده که بی کم و کاست در بقیه منابع طوائف اسلامی دیگر یافته شد. رویکرد این کتاب تقریبی است و به گسترده گی به نقل معجزات، کرامات و خوارق عادات ائمه پرداخته است. روند یادکردن از مناقب ائمه که از قرن چهارم در کتاب های نخستین صوفیان، آغاز شده بود، در قرن نهم با تدوین کتاب های مهم چون (شواهد النبوة) کامل گشت، به گونه ای که یکسانی و مشابهت اطلاعات در زمینه زندگانی ائمه در منابع اسلامی مختلف مشاهده می شود (8). جامی از محبان اهل بیت بلکه از عاشقان ایشان به شمار می رفت. او سروده فرزدق در ستایش امام زین العابدین (ع) را به شعر فارسی برگرداند (9). او نیز با الهام از اشعار امام شافعی (رض) درباره محبت اهل بیت که گفت:

يارا كبا قف بالمحصب من منى واهتف بقاعد خيفها والتاهض

سَحَرًا إِذَا فَاضَ الْحَجِيجُ إِلَى مَنَى فَيَضُّ كَمَلْتَطَمِ الْفِرَاتِ الْفَائِضِ

إن كان رفضاً حُبَّ آل محمد فليشهد الثقلان أنّي رافضي (10)

جامی چنین سرود:

این نه رفض است محض ایمان استرسم معروف اهل عرفان است

رفض اگر هست حب آلی نبیرفض فرض است بردکئی وغبی (1)

ستایش جامی به امیر المؤمنین علی (کرم الله وجهه) :

جامی با اینکه در بیشتر کتب و اشعار خود افراد اهل بیت را ستایش نموده و مدح گفته ولی توجهی مخصوص به برخی از ایشان داشته است که از مهمترین ایشان فارس المشارق والمغارب امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (کرم الله وجهه)، وشهید کربلا حسین بن علی، و امام رضا (علیهم السلام) بودند. جامی اشعار بسیار در مدح و ستایش امیر المؤمنین علی سروده، و آن حضرت را به نام و القاب مختلف ذکر نموده است از آن :

ذو الفقار :

این اشاره به سیف ذو الفقار است که پیغمبر (ص) آنرا به امیر مؤمنان علی در (غزوه احد) داده اند، و آن پس از شکست شمشیر امام است در این نبرد و نام آن ذو الفقار بوده و برای فدا کاریهای بزرگ که امام علی در آن غزوه پیدا نمود، ندائی در میدان جنگ شنیده شد که ((لا سیف إلا ذو الفقار ولا فتی إلا علی)) (2).

فقره فقره از کلام شیبر مردان گوش کن زآنکه بر بوجهل جهل آن ذو الفقار حیدر است

نکته های پست کامل هست طالب را بلند نقطه های پای حیدر تاج پای قنبرست (3)

و در جای دیگر گوید :

به ذو الفقار علی آن دلاور عالی که بود روز دغا قامع صف ابطال (4)

حیدر :

نام حیدر یا حیدر کرار از القاب مشهور امیر مؤمنان علی است و ذکر آن هم بر زبان آن حضرت در نبرد (غزوه الخندق) آمده است که : ((قال فبرز له علی وهو یقول: أنا الذی سمّتی أمی حیدره کلیث غاب کریه المنظره... أوفیهم بالصّاع کیل السندره)) (5). علامه مجلسی نیز در باره این اسم گفت ((وکان اسمه الأول الذی سمّته به أمّه حیدرة باسم أیها أسد بن هاشم، والحیدرة: الأسد، فغیر أبوه اسمه وسمّاه علیاً، وقیل: إن حیدرة اسم کانت قریش تسمیه به، والقول الأول أصح، یدلّ علیه خبره یوم برز إلیه مرحب، وارتجز علیه فقال:)) (6) ((أنا الذی سمّتی أمی حیدره)) (6)

جامی گوید :

هنر بر غزا پیشه سلطان حسین آن کزو زنده شد در غزا نام حیدر (7)

نام حیدر خواهی آزادی طلب طلب چون مصطفی

در میانش زن چون حیدر سخت دست اعتصام (8)

خسرو غازی معز ملک دین سلطان حسین

آن حسن خلقی کرو آثار حیدر تازه شد (1)

مرتضی :

لقب مرتضی نیز از القاب مشهور امام علی (ع) است . و آن مدخودست از اثر شریف زیر: وقال ابن عباس (رض): ((كان علياً عليه السلام يتبع في جميع أمره مرضاة الله ورسوله، فلذلك سمى المرتضى)) (2)

گویند که قبر مرتضی علی در نجف است در بلخ بیا و بین چه بیت الشرف است (3)

بی گمان نیز مقصود شاعر نه نفی وجود آرامگاه امام علی در شهر نجف است که مشهور و متواتر بود بلکه مقصود او بیان شرف و مکانیت آرامگاه امام علی است که او گوید اگرچه آن حضرت در نجف مدفون باشد، انوارش هم محدود بدان جا نمی تواند باشد بلکه در بلخ و جاهای دیگر نیز می توان آنرا دید . جامی برای ابراز دلدادگی و محبت مخصوص خود نسبت به ایمنه اهل بیت کرام بویژه امیر مؤمنان علی بن ابی طالب اعزاز سرزمین نجف گشته است تا به گفته خودش، در آستان ملک پاسبان امیر مؤمنان (عذر تقصیر ما سلف) جسته، و (تلافی عمری که شد تلف) را بنماید، و از (کلک فضل) ایشان حضرت دریافت کند . قصیده ای غرائی در ستایش و مدح آن عالی مقام که حروف همه زبان های دنیا همیشه عاجز و قاصر برای بیان منقبت و حق و جلال ایشان می ماند ، سروده است:

أصَبَحْتُ زائراً لَكَ يا شحنة النجف بهر نثار مرقد تو نقد جان به کف
 تو قبله دعایی و اهل نیاز را و امید سوی تو باشد زهر طرف
 می بوسم آستانه قصر جلال تو در دیده اشک عذر ز تقصیر ما سلف
 گر پرده های چشم مرصع به گوهر مفرش حریم قبر تو گردد زهی شرف
 خوشحالم از تلافی خدام روضه ات باشد کنم تلافی عمری که شد تلف
 رو کرده ام ز جمله اکناف سوی تو تا گیریم ز حادثه دهر در کف
 دارم توقع این که مثال رجای من یابد ز کلک فضل تو توقع لا تَحْفَ
 مه به گلف ندیده کسی وین عجب که هست
 خورشیدوار ماه جمال تو به کلف
 بر روی عارفان ز تو مفتوح گشته است
 ابواب کنت کنز به مفتاح من عرف
 جز گوهر ولای ترا پرورش نداد
 هر کس ک با صفای درون زاد چون صدف
 خصم تو سوخت در تبّ تبتّ چو بو لهب
 نادیده از زبانه قهرت هنوز تف
 نسبت کنندگان کف جود ترا به بحر

از بحر جود تو نشناسند غیر کف
 رفت از جهان کسی که نه پی بر پی تو رفت
 لب پر نفیر یا اسفا دل پر از اسف
 اوصاف آدمی نبود در مخالفت
 سر پدر که یافت زفرزند نا خلف
 زآن پایه برتری تو که گنه کمال تو
 داند شدن سهام خیالات را هدف
 ناجنس را چه حد که زند لاف حبّ تو
 اورا بود به جانب موهوم خود شغف
 جنسیت است عشق و موالات را سبب
 شا که جنس گوهر رخشان بود خَرَف
 مشکل بود زخوان نوال نواه یاب
 خر سیرتی که دیده بر آبست یا علف
 بر کشف سِرّ لو کشف آن را کجاست دست
 پوست پا برون نهادست چون کشف
 جامی از آستان تو کآنجا پی سجود
 زصبح وشام اهل صفا می کشند صف
 گردی به دیده رُفت و به جیب صبا
 نهفت اهدی الی احبته اشرف التحف(1)

نیز در باره آن حضرت در همین قافیه گفت :

حشمت می فروش بین بر در او زهر طرف گرد مؤید کرم اهل صفا کشیده صف
 فیض کرامتش نهد دم به دم از سفال می رنید خداشناس را جام جهان نما به کف
 پرورش دهد فلک لیّن از تو برتری بیش نهد بلی خرد قیمت گوهر از صدف
 پرده دیده ودلم فرش بود به راه تو گر قدمی بدین طرف رنجه کنی زهی شرف
 قبله جان اهل دل مستی وی خودی بود وه که به زهد وتوبه شد بیهوده عمر ما تلف
 بانگ دینه خوش بود خواجه زر شمار را مفلس دُر خوار را خوشتر از آن صدای دف

محنت بادیه مکش جامی وعزم کوفه کن شو بی حج وعمره هم طایف مشهد نجف (1)

جامی همیشه آرزو می کرد آرامگاه حضرت امیر مؤمنان علی (ع) را دیدار کند که بر همان قافیه فائی نیز گوید :

کجا شد آنکه زیغداد مستقر سلف به حله روی نهادم زحله رو به نجف

نجف مگوی که آن بارگاه مجد وعلا نجف مگوی که آن قبله گاه عزّ و شرف

نهاده اهل وفا بر آستانهء او روی کشیده اهل صفا بر حوالی او صف

بر آن آستانه فرو ریختم زجیب نیاززعجز وضعف هدایا زفقر وفاقهء ثحف

زفوت عمر گرامی وروزگار شریف که جز به خدمت آن روضه گشته بود تلف

گهی بیا حزنا ساختم نوای حزن گهی بیا اسفا سوختم به داغ اسف

فغان کشیدم از اندوه آن سینه چو چنگتپانچه کوفتم از درد آن به روی چو دف

بر آن شدم که چو جای از آن حریم مراد عنان عزم نیچم دگر به هیچ طرف

ولی دریغ که بازم سپهر حادثه زای زمام دولت واقبال در ربود زکف (2)

پس از همه این قصاید غرای شعری پیدا می شود که او اصرار عجیبی داشت که او از محبان و اولیاء اهل بیت (ع) بویژه امیر مؤمنان علی (ع) بوده که در جای دیگر نیز از همت آن حضرت مدد می خواست و گوید :

جامی از اهل ولا همت خواه گرد تو گرچه بلا بسته صفت

کار هرکس نبود صف شکنی شیر این معرکه شاه نجف است (3)

و در جای دیگر حضرت امام علی را به شیر خدا توصیف می کند که گوید :

شیر خدا شاه ولایت علی صیقلی شرک خفی و جلی

روز احد چون صف هیجا گرفت تیر مخالف به تنش جا گرفت (4)

بی شک این تنها قصیدهء جامی نیست که در بیان فضایل معنوی و شخصیت بی نظیر امیر مومنین علی (ع) سروده شده است. او پیش از این و هنگام عزم زیارت مرقد منور آن حضرت نیز او خود را به اوصاف مختلف مانند (شتر مستی) شمرده که مهارش (رشته مهر) امام علیاست، از این نظر، پای کویان به دلیل (شوق جمال او) راهی عراق شده، (خار مغیلان) مسیر نجف (چون حریر و گل) می نموده و در واقع (شوق یار) از دیده خواب، از سینه صبر و از دل قرارش ربوده بوده است

محمل رحلت ببند، ای ساربان کز شوق یارمی کشد هر دم به رویم قطره های خون قطار

زودتر آهنگ ره کن کارزوی او مرا برده استاز دیده خواب، از سینه صبر، از دل قرار

قطع این وادی به ترک اختیار خود توانمی نهم در قبضه حکمت زمام اختیار

اشتر مستم که بی خود می روم در راه اونیست در بینی مرا جز رشته مهرش مهار

پای کوبان می برد شوق جمال او مرازیر پایم چون حریر و گل بود خارا و خار

هر کسی بر ناقه بهر تحفه یاری می نهد بارمن فاقه است من زاین تحفه هستم زیر بار

هر نشان پا که می بینم ز ناقه در رهش می نماید چهره مقصود را آیینهار

محمل امشب دیر می جنبد ، خدی آغاز کن بی نوایان را نوای دیگر از نوساز کن¹

شایان ذکر این است که جاما کتفا بداند کرد هبلکه پیسازر ویتو دیدن عیان هر قدمقدس ، و بارگاه معظما میر مؤمنانعلی (ع)
بهانشاء قصیده دیگر پیرداخت که در آن ، امامعلیرا (قافلہ سالار ره عشق) دانسته است که در چهره آنحضرت (جمالیازلی)
آشکار می باشد و اگر (چاشنی شهید محبت) اودر کسین باشد ، هیچ چیز دیگر بگره گشایزندگی و کلید سعادت توینخواهد بود :

قد بدا مشهد مولای نحوا جملی که مشاهد شد از آن مشهدم انوار جلی

رویش آن مظهر صافیست که بر صورت اصل آشکار است درو عکس جمال ازلی

چشم از پرتو رویش به خدا بینا شد جای آن دارد اگر کور شود معتزلی

زندهء عشق نمر دست و نمیرد هرگز لایزالی بود این زندگی ولم یزلی

در جهان نیست متاعی که ندارد بدلی خاصهء عشق بود منقبت بی بدلی

دعوی عشق و تولا مکن ای سیرت تو بغض ارباب دل از بی خردی ودغلی

مشک بر جامه زدن سود ندارد چندان چون تو در جامه گرفتار به کند بغلی

چون ترا چاشنی شهید محبت نرسید از شه نخل چه حاصل زلباس عسلی

جامی از قافله سالار ره عشق ترا گر بپرسند که آن کیست علی گوی علی (2)

جامی در قصیده بلند دیگری محبت خود را نسبت به امیر مؤمنان علی (ع) بیان داشته ، به بندگی آن حضرت افتخار میکند .
قسمتی از آن قصیده را به دلیل عواطف قوی و احساسات خاص و ناب نسبت به امام ملاحظه می نمایید :

وآن علی کش منم به جان بنده سبلت نفس شوم را کنده

بوده از غایت فتوت خویش خای از حول خویش وقوت خویش

قدرت فعل حق از او زده سر کنده بی خویشتن در خیبر

خود چه خیبر که چنبر گردون پیش آن دست و پنجه بود زبون

دید از آفات خود خلافت را بی ضرورت نحواست آفت را

هر چه بر دل نشیند از وی گرد هست در چشم مرد آفت مرد

چیست گرد آن که از ظهور وجود زو مکدر شود صفای شهود

تا کسی بود از انحراف مصون کاید آن کار را زعهده بیرون

چيست گرد آن که ز ظهور وجود زو مکدر شود صفای وجود
 بود با او موافق و منقاد در جنگ و مخالفت نگشاد
 چون همه روی در نقاب شدند ذره سان محو آفتاب شدند
 غیر ازو کس زخاص و عام نبود که تواند به آن قیام نمود
 لا جرم نصرت شریعت را متکفل شد آن و دیعت را
 بود سر کمان مصطفوی گشت ختم خلافت نبوی (1)

ستایش جامی امام حسین (علیه السلام) :

جامی تنها امام علی (ع) نیست که مهرش مهار جان و عشق جامی شده، او را از خود بی خود کرده رهسپار عراق نموده است، امام حسین (ع)، فرزند دوم ایشان نیز زمام اختیار را از کف جامی ربوده، و او را در سال های آخر عمرش واداشت تا به قصد زیارت آن حضرت که آن را (به مذهب عشاق فرض عین) می دانست، هرات افسانه ای دوران تیموریان را ترک گفته مرقد سیدالشهدا، که به گفته اش (کعبه به گرد روضه او می کند طواف) و (از قاف تا به قاف پر است از کرامتش)، از نزدیک زیارت نماید. جامی نیز نسبت به عزاداری و زیارت شهید کربلاء از هیچ کوششی فروگذار نکرد و آن را منافی پیروی خویش از اهل سنت و مذهب جماعت نمی دانست. جامی در سال های آخر عمر به عتبات عالیات شتافت و برای زیارت مرقد امام حسین علیه السلام به کربلا رفت. وی داستان این زیارت را این گونه سروده است:

کردم ز دیده پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین
 خدام مرقدش به سرم گر نهند پای حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدین
 کعبه به گرد روضه او می کند طواف ركب الحجيج این تر و حون این این
 از قاف تا به قاف پُست از کرامتش آن به که حیل جوی کند ترک شید و شین
 آن را که بر عذار بود جعد مشکباراز موی مستعار چه حاجت به زیب وزین
 جامی گدای حضرت او باش تا شود با راحت وصال مبدل عذاب بین
 می ران ز دیده سیل که در مشرب کریه باشد قضای حاجت سایل ادای دین (2)
 ستایش جامی به امام علی بن الحسین ملقب به زین العابدین (علیه السلام) :

جامی از اصحاب اللسانین بود، اطلاعی بسیار بر فرهنگ عربی و فارسی داشت. او توجهی مخصوص به ستایش مردان اهل بیت بود. فرزندق تیمیمی شاعر بزرگ عصر اموی و دلباخته اهل بیت علیهم السلام بود، روزی در موسم حج نوبیک به مجلس هشام بن عبد الملک بود. هشام کسی را دید که مشغول به طواف پیرامون کعبه مشرفه بود، مردم ایشان را مورد تقدیر و احترام بزرگ می دادند. هشام از کسانی که در باره او بوده اند سؤال کرد آن مرد کیست؟ فرزندق، وقتی غرور و تکبر هشام

را دید ، فورا قصیده ای غراء در مدح و تعریف به امام زین العابدین علی بن الحسین (ع) سرود لإ وچنین به معرفی این امام بزرگوار پرداخت :

هذا الذي تعرف البطحاءُ وطأتهُ والبيتُ يعرفهُ والحلُّ والحرمُ
 هذا الذي تعرف البطحاءُ وطأتهُ والبيتُ يعرفهُ والحلُّ والحرمُ
 هذا ابنُ خيرِ عبادِ اللهِ كلِّهمُ هذا التَّقِيُّ التَّقِيُّ الطَّاهِرُ العَلْمُ
 هذا الذي أحمدُ المختارُ والدُّهُ صَلَّى إلهي عليه ما جرى القلمُ
 هذا ابنُ فاطمةٍ إن كنتَ جاهلَهُ بجِدِّه أنبياءُ اللهِ قد خُتموا
 هذا عليُّ رسولِ اللهِ والدُّهُ أَمَسْتُ بنورِ هداةٍ تهتدي الأممُ (1)

جامی شاعر شیرین سخن پارسی گوی اهل سنت قصیدهء فرزدق را چنین زیبا به نظم آورده است :

آنکس است اینکه مکه و بطحازمزم و بوقبیس و خیف و منی
 حرم و حل و بیت و رکن و حطیمناودان و مقام ابراهیم
 مروه، مسعی، صفا، حجر، عرفات طیبه، وکوفه، کربلا و فرات
 هریک آمد به قدر او عارف بر علو مقام او واقف
 قرة العین سیدالشهداستزهره شاخ دوحه زهراست
 میوه باغ احمد مختار لاله داغ حیدر کرار
 چون کند جای در میان قریشرود از فخر بر زبان قریش
 که بدین سرور ستوده شیبه نهایت رسیده فضل و کرم
 ذروه عزت است منزل او حامل دولت است محمل او
 از چنین عز و دولت باهرهم عرب، هم عجم، بود قاصر
 جد او را به مسند تمکینخاتم الانبیاست نقش نگین
 که گشاید به روی کس دیده از حیا نایدش پسندیده
 حب ایشان دلیل صدق و وفا بغض ایشان نشان کفر و نفاق

گر بپرسند ز آسمان بالفرض سائلی من خیار اهل الأرض ؟

(به زبان کواکب و انجم هیچ لفظی نباید الا هم))

ذکرشان سابق است بر افواهر همه خلق ، بعد ذکر الله⁽¹⁾

ستایش جامی به امام رضا (ع)

جامی در کتاب خود (شواهد النبوة) بابی تحت عنوان (ذکر علی بن موسی بن جعفر رضی الله تعالی عنهم) گشوده ، و در مورد آن حضرت گفته است: ((وی امام هشتم است... و هر چند آنچه درباره مناقب و فضایل امام رضا بر زبانها جاری و در کتابها مسطور است ، اندکی است از بسیار ، و قطره‌ای است از دریای خروشان که این مختصر را گنجایش آنها نیست. ناچار بر بعضی از کرامات و خوارق عادات بسنده می‌شود...)) . او سپس به نقل کرامات آن حضرت می‌پردازد⁽²⁾. جامی نیز بطور مخصوص در باب محبت و علاقه قلبی جامی به حضرت امام رضا(ع) می‌توان به شعری اشاره کرد که او در وصف این امام بزرگ سروده است و در آن عشق و ارادت خود را به خاندان نبوت به زیبایی تمام و به گونه ای هنرمندانه به نمایش گذارده است⁽³⁾. و برای بیان منزلت بزرگ امام رضا (علیه السلام) نزد همه طوایف اسلامی اشاره به کلام برخی از ائمهء (اهل تسنن) می‌کنیم : محمد بن طلحه شافعی (۶۵۲هـ) در باره بیان جایگاه و مکانت بزرگ امام علی بن موسی الرضا (ع) گوید : ((کسی که در شخصیت ایشان تأمل کند ، درمی یابد که علی بن موسی ، وارث امیرالمؤمنین علی و زین العابدین علی است و حکم می‌کند که ایشان سومین علی است. ایمان و جایگاه و منزلت ایشان ، فراوانی اصحاب ایشان ، باعث شد تا مأمون وی را در امور حکومت شریک کند و ولایت عهدی را به ایشان بسپارد...))⁽⁴⁾. عبدالله بن اسعد یافعی شافعی (۷۶۸ق) از آن حضرت گوید : ((وی امام جلیل و بزرگوار از سلاله بزرگان و اهل کرم ابوالحسن علی بن موسی الکاظم است. وی یکی از دوازده امام شیعیان است که اساس مذهب بر نظریات ایشان است. وی صاحب مناقب و فضایل است))⁽⁵⁾. ابن صباغ مالکی (۸۵۵ق) روایت می‌کند که ((علی بن موسی الرضا دارای والاترین و وافرترین فضایل و کرامات و برخوردار از برترین اخلاق و صورت و سیرت است که از پدرانیش به ارث برده است...))⁽⁶⁾.

جامی در ابتدا ، از آنجا که ادبش اقتضا می‌کند ، کلام خود را با سلام بر خاندان نبوت و اهل بیت پیامبر (ع) آغاز می‌کند و آنخاندان مطهر را با عناوینی چون (آل طه و یاسین) و (آل خیر النبیین) مورد خطاب قرار می‌دهد

سلام علی آل طه و یاسین سلام علی خیر النبیین⁽⁷⁾

جامی در ادامه به امام بودن امام رضا U اشاره دارد و ایشان را مایه مباهات ملک و دین می‌داند و در بیت بعد به حق بودن امام U را بیان می‌دارد:

سلام علی روضة حلّ فیها امام بیاهی به الملک والدین

امام به حق شاه مطلق که آمد حریم درش قبله گاه سلاطین⁽⁸⁾

امام در لغت ((به معنی پیشوا و دلیل و و راهنما و در قرآن و لوح محفوظ آمده است و در اصطلاح صوفیه معمولاً کسی را گویند که در شریعت و طیقت هر دو پیشوا باشد.)) (1). جرجانی در تعریف امام می گوید: ((امام کسی را گویند که ریاضت دین و دنیا را با هم داشته باشد.)) (2).

شه کاخ عرفان ، گل شاخ احسان در دُرُج امکان مه برج تمکین (3)

جامی در این بیت ، امام رضا را شاه کاخ عرفان و گل شاخه احسان می داند که این نشان از معرفت بالای جامی در عرفان دارد؛ زیرا که تصوف عرفان را به طور کلی ، اعم از نظری و عملی چون کاخ و قصری می داند که از نظر احاطه و معرفت و تسلط و شکوه و مقام والای حضرت در امور معرفتی ، ایشان را شاه و سرور این قصر عالی معرفی می کند(4)، و عمل است که در دل پیدا شود که این امر بیانگر علم و عمل حضرت در حد اعلای خود است که جامی آن را به زیبایی بیان می دارد(5). جامی امام رضا را دارای مقام رضا می داند این در حالی است که در باور اهل نظر حضرت در بالاترین مرتبه و مقام یعنی در مقام تسلیم قرار دارند. اما این نکته قابل توجه است که در باور عرفای نقشبندیه «رضا» مقام بعد از توکل بوده و در بالاترین مرتبه از مراتب توبه قرار دارد و در تعریف آن می توان گفت : ((رضا شادی دل است به تلخی قضا. و نیز خروج است از رضای نفس و به در آمدن است در رضای حق.)) (6).

فضل و شرف بینی او را جهانی اگر نبود تیره چشم جهان بین

پی عطر رو بند حوران جنت غبار دیارش به گیسوی مشکین (7)

اگر خواهی آری به کف دامن او برو دامن از هرچه جز اوست در چین (8)

به نظر جامی غبار درگاه حضرت (ع) را حوریان بهشت با گیسوی مشکین خود به عنوان عطر جاروب می کنند تا عطر بویای بهشتیان باشد. از نظر اهل تصوف و عرفان عطر از نفحات انسی است که به هنگام اصل عرفان و عشق می رسد. از تجلیات جمالی و جلالیه که موجب این ظهور و خفاست که از مقتضیات زلف است ، به عطر تعبیر می نمایند(9).

چو جامی چشد لذت تیغ مهرش چه غم گر مخالف کشد حنجر کین (10)

اینجا ملاحظه می شود که جامی ترکیبی را به کار می برد که قابل توجه است و آن ترکیب (تیغ مهر) است که مهر می تواند ابهام داشته باشد:

1- اشعه نورانی خورشید و شمس جمال امام رضا

2- شمشیر محبت است که بر غلبه اولیاء ائمه وجود دارد. و در مخالف نیز ابهام است یکی مخالفان جامی و دیگری مخالفان اهل بیت. و در اینجا جامی خود را سپر تیر مخالفان اهل بیت می داند (11).

نتیجه گیری

پس از این رحلت طولانی با اشعار جامی که متضمن مدح وستایش مردان اهل بیت (علیهم السلام) به نتایجی زیر می رسیم :

- جامی از بزرگترین شاعران فارسی زبان در سده های اخیر تاریخ ادبیات فارسی به شمار می رود .
- جامی از اهل (سنت وجماعت) استولی او مانند هر مسلمانی که دلش متضمن اخلاص بود توجهی مخصوص به ستایش اهل بیت (علیهم السلام) بویژه (امیر مؤمنان علی و امام حسین و امام سجاد و امام رضا (علیهم السلام) داشت .
- مطالعه شعر جامی که موضوع این بحث گواه صادقی است بر مکانت و جایگاه بزرگ اهل بیت نزد جامی است .
- مدایح جامی متضمن اشاراتی متعدد به مناقب و صفات بی نظیر اهل بیت دارد.
- محبت و ولای به اهل بیت مخصوص به یک طایفه از امت اسلام نیست بلکه آن شامل همه طوائف امت اسلام است .

پاورقی های فهرست

- (1) ر. ک : تذکرة الشعراء : دولتشاه سمرقندی : به اهتمام : ادوارد براون : انتشارات اساطیر : چاپ اول : 1382 هـ ش : 483 .
- (2) ر. ک : تاریخ ادبیات ایران : د. ذبیح اله صفا : جلد چهارم : چاپخانه رامین : چاپ یازدهم : تهران : 1383 هـ ش : 347-348 .
- (3) ر. ک : تذکرة اشعراء : دولتشاه سمرقندی : 483 .
- (4) ر. ک : تاریخ الأدب فی ایران (من السعدی إلى الجامی) : ج 3 : تالیف : ادوارد براون : نقله إلى العربية : محمد علاء الدین منصور : المجلس الأعلى للثقافة : ط 1 : 2005 : 556 .
- (5) تاریخ ادبیات ایران : دکتر ذبیح الله صفا : جلد سوم : 333 .
- (6) عرفان جامی در مجموعه آثارش : سوسن آل رسول : وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی : تهران : 1383 هـ ش : 13-14 .
- (7) ر. ک : عرفان جامی در مجموعه آثارش : سوسن آل رسول 14 .
- (8) کاروان حله (مجموعه نقد ادبی) : دکتر عبد الحسین زرین کوب : سازمان انتشارات جاویدان : چاپ پنجم : تهران : تابستان : 1362 هـ ش . 103 .
- (9) ر. ک : تاریخ ادبیات ایران : دکتر ذبیح الله صفا : جلد سوم : 333 .
- (10) ر. ک : گنج سخن : د. ذبیح الله صفا : جلد دوم : انتشارات تهران : 1354 هـ ش : ص 355 .
- (11) ر. ک : امام رضا در باور تأویلی عرفای طریقه نقشبندیه : اعظم محمد دخت ، لیلا خیرخواه : 2 .
- (12) ر. ک : امام رضا در باور تأویلی عرفای طریقه نقشبندیه : اعظم محمد دخت ، لیلا خیرخواه : 3 .
- (13) ر. ک : رساله جستجو در تصوف : د. عبد الحسین زرین کوب : تهران : 1392 :
- (14) ر. ک : روضات الجنان : میزا محمد باقر خواستاری : قم : هـ ش : 1390 ، ج 3 : 1153 .
- (15) هفت اورنگ : جامی : تصحیح مرتضی گیلانی : تهران : سعدی : 1368 : 52 .
- (16) همان منبع قبلی : 146 .
- (17) ر. ک : مجالس المومنین : قاضی شوشتری : کتابفروشی اسلامیه : تهران : 1377 هـ ش : 2 : 125 .

- (18) - هفت اورنگ : جامی : 178 .
 (19) هفت اورنگ: 178.
 (20) همان منبع قبلی : 41 .
- (21) ر.ک : امام علی و تشیع در کلام جامی ناصری ، عبدالمجید : مجلهء معرفت : شماره 40 : 1380 هـش : فروردین : 74 .
 (22) ر.ک : جامی ، حکمت ، علی اصغر : تهران : انتشارات توس : 1363 . 20-21 .
 (23) ر.ک : امام علی و تشیع در کلام جامی ناصری، عبدالمجید : مجلهء معرفت : شماره 40 : 1380 هـش : فروردین : 68 .
 (24) ر.ک : همان منبع قبلی : 68 .
 (25) ر.ک : همان منبع قبلی : همان صفحه .
 (26) ر.ک : همان منبع قبلی : همان صفحه
 (27) هفت اورنگ، : جامی : 10 ، مقدمه 1 و 179 .
 (28) هفت اورنگ : 170-169 .
- (29) دیوان جامی : با مقدمه و اشراف : محمد روشن : مؤسسه انتشارات نگاه : تهران : 1380 هـش : 34 .
 (30) دیوان جامی : 93
 (31) ر.ک : الجامع لأحكام القرآن : أحمد بن محمد القرطبي : دار الفكر للنشر والتوزيع : ج 15 : 3
 (32) ر.ک : البرهان في علوم القرآن : الإمام الزركشي : ج 1 : 173 .
 (33) ر.ک : تفسير ارازي : فخر الدين محمد بن عمر الرازي : بيروت : دار الكتب العلمية : 1990 م، 1369 هـ : ج 2 : 250 .
 (34) ر.ک : تفسير القرآن العظيم ابن كثير: تقديم: يوسف عبد الرحمن المرعشلي : دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع : بيروت : دار المعرفة : 1412 هـ - 1992 : ج 1 : 19 .
 (35) ر.ک : شواهد النبوة : عبد الرحمان جامی : به کوشش : سيد حسن امين مير كسرى : تهران : 1379 هـش
 (36) - ر.ک : زندگانی دوازده امام در کتاب شواهد النبوهء جامی : نویسنده : داداش نژاد، منصور : مجلهء تاریخ و فرهنگ : شماره 87 : پاییز وزمستان : 1390 هـش : 53 .
- (37) - هفت اورنگ: جامی : 141 .
 (38) دیوان الامام الشافعی : تحقیق : محمد عفيف الزعبي : 1391 هـ : 55 .
 (39) هفت اورنگ : جامی : 146 .
 (40) الكامل في التأريخ : ابن الأثير الجزري : ج 2 : بيروت : لبنان : 1385 هـ - 1965 م : 107 . فروغ ابدیت : جعفر سبحانی : قم : 1392 هـش : 1351 هـ : 475 .
 (41) دیوان جامی : 34 .
- (42) دیوان جامی : 79 .
 (43) تاریخ الأمم والملوك : الطبري : ج 2 : دار الكتب العلمية : بيروت : ط 1 : 1407 هـ : 137 .
 (44) ر.ک : بحار الأنوار : علامه مجلسی : ج 35 : 45 .
 (45) دیوان جامی : 55 .
 (46) مان منبع قبلی : 85 .
 (47) همان منبع قلی : 309 .
 (48) مناقب آل أبي طالب : أبي جعفر محمد بن علي شهر آشوب السروي المازندراني : تحقيق وفهرسة : د. يوسف السباعي : دار الأضواء : ط 2 : 1412 - 1991 م : 2 / 304 .
 (49) این رباعی اکنون نیز بالای در ورودی روضه منسوب به امام علی در مزار شریف، مرکز ولایت (استان) بلخ افغانستان مکتوب است ر.ک : امام علی (ع) و تشیع در کلام جامی : نویسنده : ناصری، عبدالمجید : مجلهء معرفت : شماره 40 : 1380 هـش : 69 .

(50) - دیوان جامی : 73-72

(51) دیوان جامی : 449 .

(52) همان منبع قبلی : 448

(53) همان : 214 .

(54) هفت اورنگ : جامی : 403

(55) همان منبع قبلی : 176-179 .

(56) دیوان جامی : 108 .

(57) رک : امام علی وتشیع در کلام جامی : ناصری ، عبدالمجید : مجله معرفت : فروردین : 1380 هـ : شماره 40 : 69 .

(58) - هفت اورنگ : جامی : 93-92 .

(59) دیوان الفرزدق : دار صادر : بیروت : لبنان : ج2 : 178 .

(60) رک : امام سجاد از مدارا تا خشونت : میرحسینی ، سید علی نقی : مجله فرهنگ کوثر : بهار 1383 - شماره 57 : 58-87 .

(61) رک : امام رضا به روایت اهل سنت :: طبسی ، محمد محسن : مجله فرهنگ کوثر : شماره 75 : پاییز 1387 هـ : 163 .

(62) در این مبحث بطور بسیار از بحث زیر استفاده شده : ((امام رضا در باور تأویلی عرفای طریقه نقشبندیه : اعظم محمددخت ، لیلا خیرخواه)) .

(63) مطالب السؤول في مناقب آل الرسول : ط1 : محمد بن طلحة الشافعي : دار البلاغ : بیروت : 419 هـ : 295 .

(64) مرآة الجنان و عبرة اليقظان ، ابومحمد عبدالله بن اسعد بن علی بن سلیمان الیافعی الیمنی ، قاهرة ، دارالكتاب الاسلامی ، 1993 م - ق 1413 : ج2 : 10 .

(65) الفصول المهمة في معرفة الأئمة ، ابن الصباغ ، سامي الغريزي ، ط1 ، دار الحديث للطباعة والنشر ، المؤلف : علي بن محمد بن أحمد الهالكی المكي المعروف بابن الصباغ ، قم ، 1422 هـ : 263 .

(66) دیوان جامی : 93 .

(67) همان منبع قبلی : 93 .

(68) فرهنگ نوربخش : محمد جواد نوربخش : چاپ دوم : بی جا ، 1372 هـ : ج 3 : 28 .

(69) التعريفات : سيد شريف جرجاني : چاپ سوم : طهران : انتشارات ناصر خسرو : 1368 . 53 .

(70) دیوان جامی : 93 .

(71) ر.ک : فرهنگ اصطلاحات عرفانی محیی الدین ابن عربی : ترجمه و تألیف : قاسم میرآخوری ، حیدر شجاعی : چاپ اول : تهران : 1376 هـ : 77 .

(72) فرهنگ نوربخش : ج5 : 57 .

(73) فرهنگ اصطلاحات عرفانی محیی الدین ابن عربی : 263 .

(74) دیوان جامی : 93 .

فهرست منابع

القرآن اکرم

- بحار الأنوار العلامة المجلسي : محمد تقي اليزدي ، محمد الباقر البهبودي ، ط2 : مؤسسة الوفاء : دار إحياء التراث العربي : بيروت : 1403 هـ - 1983 م : ج 35 .
- البرهان في علوم القرآن : الإمام الزركشي : ج1 .
- تاريخ ادبيات ايران : د. ذبيح اله صفا : جلد سوم ، و جلد چهارم : چاپخانه رامین : چاپ یازدهم : تهران : 1383 هـ .
- تاريخ الأدب في ايران (من السعدی إلى الجامي) : ج3 : تأليف : ادوارد براون : نقله إلى العربية : محمد علاء ادين منصور : المجلس الأعلى للثقافة : ط1 .

- تاریخ الأمم والملوك: محمد بن جریر الطبری : ج 2 : دار الکتب العلمیة : بیروت : ط 1 : 1407 هـ .
- تذکرة الشعراء : دولتشاه سمرقندی : به اهتمام : ادوارد براون : انتشارات اساطیر : چاپ اول : 1382 هـ ش .
- التعريفات : سيد شريف جرجاني : چاپ سوم : طهران : انتشارات ناصر خسرو : 1368 .
- تفسير ارازي: فخر الدين بن عمر الرازي: بيروت: دار الکتب العلمیة: 1990م ، 1369 هـ : ج 2
- تفسير القرآن العظيم ابن كثير: تقديم: يوسف عبد الرحمن المرعشلي: دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع: بيروت : دار المعرفة: 1412 هـ - 1992: ج 1 .
- الجامع لأحكام القرآن : القرطبي : دار الفكر للنشر والتوزيع : ج 15 .
- جامی ، حکمت ، علی اصغر : تهران : انتشارات توس : 1363 .
- ديوان الامام الشافعي : تحقيق : محمد عفيف الزعبي : 1391 هـ .
- ديوان الفرزدق : دار صادر : بيروت : لبنان : ج 2 .
- ديوان جامی : با مقدمه و اشراف : محمد روشن : مؤسسه انتشارات نگاه : تهران : 1380 هـ ش .
- رساله جستجو در تصوف : د. عبد الحسين زرین کوب : تهران : 1392 هـ ش .
- روضات الجنان : میزا محمد باقر خواستاری : قم : 1390 هـ ش : ج 3
- زندگانی دوازده امام (ع) در کتاب شواهد النبوه جامی : نویسنده : داداش نژاد ، منصور : مجله تاریخ و فرهنگ : شماره 87 : پاییز و زمستان : 1390 هـ ش .
- شواهد النبوة: عبد الرحمان جامی: به کوشش: سيد حسن امين مير كسرى : تهران : 1379 هـ ش
- طالب السؤل في مناقب آل الرسول: ط 1: محمد بن طلحه الشافعي: دار البلاغ : بيروت : 1419 هـ .
- عرفان جامی در مجموعه آثارش: سوسن آل رسول: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: تهران : 1383 هـ ش .
- فرهنگ اصطلاحات عرفانی محیی الدین ابن عربی: ترجمه و تألیف: قاسم میرآخوری ، حیدر شجاعی : چاپ اول : تهران : 1376 هـ ش .
- فرهنگ نوربخش : محمد جواد نوربخش : چاپ دوم : 1372 هـ ش : ج 3 .
- فروغ ابدیت : جعفر سبحانی : قم : 1392 هـ ش : 1351 هـ .
- الفصول المهمة في معرفة الأئمة^[2]، ابن الصباغ ، سامي الغريزي ، ط 1: دار الحديث للطباعة والنشر علي بن محمد المالكي المكي المعروف بابن الصباغ ، قم ، 1422 هـ .
- کاروان حله (مجموعه نقد ادبی) : دکتر عبد الحسين زرین کوب : سازمان انتشارات جاویدان : چاپ پنجم : تهران : تابستان : 1362 هـ ش .

- الكامل في التاريخ: ابن الأثير الجزري: ج 2: بيروت: لبنان: 1385 هـ - 1965 م.
- گنج سخن: د. ذبيح الله صفا: جلد دوم: انتشارات تهران: 1354 هـ ش.
- مجالس المومنين: قاضي شوشتری: کتابفروشی اسلاميه: تهران 1377 ش: 2.
- مرآة الجنان و عبرة اليقظان: ابومحمد عبدالله بن اسعد بن علي بن سليمان اليافعي اليميني: القاهرة: دارالكتاب الاسلامي: 1993 م - ق 1413: ج 2.
- مناقب آل أبي طالب: أبي جعفر محمد بن علي شهر آشوب: تحقيق وفهرسة: د. يوسف السباعي. دار الأضواء: ط 2: 1412. 1991 م: 2.
- هفت اورنگ: نور الدين عبد ارحمن جامي: تصحيح مرتضى گيلاني: تهران: سعدي: 1368 هـ ش.
مقاله ها:
- امام رضا (ع) به روايت اهل سنت :: طبسی، محمد محسن: مجله فرهنگ كوثر: شماره 75: پاییز 1387 هـ ش: ص 163.
- امام رضا در باور تأويلی عرفای طریقه نقشبندیه: اعظم محمد دخت، ليلا خيرخواه.
- امام سجاد (عليه السلام) از مدارا تا خشونت: ميرحسيني سيد علي نقی: مجله فرهنگ كوثر: بهار 1383 - شماره 57: 58-87.
- امام علي (ع) و تشيع در كلام جامي: نويسنده: ناصري، عبدالمجيد: مجله معرفت: شماره 40: 1380 هـ ش: فروردین: 74.

SCIENTIFIC SOURCES AND REFERENCES

1. The Holy Quran
2. Bihar Al-Anwar by the scholar Al-Majlisi: Muhammad Taqi Al-Yazdi, Muhammad Al-Baqir Al-Bahbudi, Volume Two: Al-Wafa Foundation: Arab Heritage Revival House: Beirut: 1403 AH - 1983 AD: Volume 35.
3. Proof in the Sciences of the Qur'an: Imam Al-Zarkashi: Part 1.
4. History of Iranian Literature: Dr. The Sacrifice of God of Safa: Volume Three and Volume Four: Ramin Press: Eleventh Edition: Tehran: 1383 AH.
5. History of Literature in Iran (Rijal Al-Saadi Eli Al-Jami): Volume Three: Collected by: Edward Brown: Narrated by Eli Arabic: Muhammad Alaa Al-Din Mansour: Al-Ali Council for Remembrance: Volume One.
6. History of Nations and Kings: Muhammad bin Jarir al-Tabari: Volume Two: International Book House: Beirut: Volume One: 1407 AH.
7. A tribute to the poets: Dawlatshah al-Samarqandi: Written by: Edward Brown: Al-Asatir Publications: First Edition: 1382 AH.
8. Definitions: Sayyid Sharif al-Jurjani: Third Edition: Tehran: Dar Nasir Khusraw: 1368.
9. Tafsir Al-Arazi: Fakhr Al-Din bin Omar Al-Razi: Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyyah: 1990 AD, 1369 AH: Volume Two
10. Interpretation of the Great Qur'an by Ibn Kathir: Presented by Youssef Abd al-Rahman al-Marashli: Dar al-Ma'rifa for Printing and Distribution: Beirut: Dar al-Ma'rifa: 1412 AH - 1992: Volume One.
11. Al-Jami' Li Ahkam Al-Qur'an: Al-Qurtubi: Dar Al-Fikr for Publishing and Distribution: Volume Fifteen.
12. Jami, Hikmat, Ali Asghar: Tehran: Tus Publications: 1363.
13. Diwan of Imam Al-Shafi'i: Research: Muhammad Afif Al-Zoubi: 1391 AH.
14. Diwan Al-Farazdaq: Dar Al-Sadr: Beirut: Lebanon: Volume Two.
15. Diwan al-Jami: Introduction and Honorary: Muhammad Roshan: Najah Publishing House: Tehran: 1380 AH.
16. Research thesis on Sufism: Dr. Abdul-Hussein Zarin Kop: Tehran: 2012.
17. Rose Al-Jinan: Mazza Muhammad Baqir Al-Gharinari: Qom: 1390 Hashish: Volume 3
18. The lives of the Twelve Imams (peace be upon them) in the book Jami' Evidence of the Prophets: Author: Dadash Nejad, Mansour: Journal of History and Culture: Issue 87: Autumn and Winter: 1390 AH.
19. Evidence of Prophethood: Abdul Rahman Al-Jami: With the efforts of Mr. Hassan Amin Mir Kasri: Tehran: 1379 AH.
20. Talib Al-Saul in the Virtues of the Messenger: Volume One: Muhammad bin Talha Al-Shafi'i: Dar Al-Balagh: Beirut: 1419 AH.
21. Irfan Al-Jami in his collection of works: Sawsan Al-Rasul: Ministry of Culture and Islamic Education: Tehran: 1383 AH.
22. Dictionary of Sufi Terms by Muhyiddin Ibn Arabi: Translated and written by: Qasim Mirakhuri, Haider Shojaei: First Edition: Tehran: 1376 AH.
23. Farhang Nourbakhsh: Muhammad Jawad Nourbakhsh: Second Edition: 1372 Retail: Volume Three.
24. Forough Abdit: Jaafar Al-Subhani: Qom: 1392 AH: 1351 AH.
25. Distinguished Chapters in the Knowledge of the Imamate, Ibn al-Sabbagh, Sami al-Ghurairi, Volume One: Dar al-Hadith for Printing and Publishing, Ali bin Muhammad al-Maliki al-Makki, known as Bab al-Sabbagh, Qom, 1422 AH.
26. Hilla Caravan (Literary Criticism Group): Dr. Abdul Hussein Zarin Kob: Javaidan Publishing Foundation: Fifth Edition: Tehran: Summer: 1362 AH.
27. Perfection in History: Ibn al-Atheer al-Jazari: Volume Two: Beirut: Lebanon: 1385 AH - 1965 AD.
28. Gang Sokhn: Dr. Zabihullah Safa: Volume Two: Tehran Publications: 1354 Hashish.
29. Council of the Faithful: Qadi al-Shashtari: Islamic Library: Tehran 1377: 2.
30. The Mirror of Paradise and the Lesson of the Yaqtan: Abu Muhammad Abdullah bin Asad bin Ali bin Suleiman Al-Yafi'i, Yemeni: Cairo: Dar Al-Kitab Al-Islami: 1993 AD - 1413 AH: Volume Two.
31. Virtues of the family of Abi Talib: Abu Jaafar Muhammad bin Ali, City of Chaos: Research and Index: Dr. Youssef Al-Sebaei. Dar Al Awda: Volume 2: 1412. 1991: 2.
32. Haft Orange: Nour al-Din Abdul Rahman al-Jami: Correction by Mortada al-Jilani: Tehran: al-Saadi: 1368.
33. Articles : Imam Al-Rida (peace be upon him) in the Hadith of the Sunnis :: Al-Tabsi, Muhammad Mohsen: Farhang Kawthar Magazine: Issue 75: Fall 2017 Hashtag: p. 163.
34. Imam Al-Rida in the interpretation of the doctrine of the Naqshbandi Sufis: Azzam Muhammad Dokht, Laila Khairkhah.
35. Imam Al-Sajjad (peace be upon him) From Tolerance to Violence: Mir Al-Husseini Sayyid Ali Naghi: Farhang Kawsar Magazine: Spring 2013 - Issue 57: 58-87.
36. Imam Ali (peace be upon him) and Shiism in the words of Al-Jami: Author: Al-Nasiri, Abdul Majeed: Marfah Magazine: Issue 40: 1380 Al-Hash: Farwardin: 74.